

مهدویت و موعودگرایی

جلسه هشتم

موضوع: نحوه ارائه حکومت جهانی مهدوی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

در آخرین آیه از سوره مبارکه تبارک چنین آمده :

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ

بگو: چه تصوّر می کنید؟ اگر آب (که مایه زندگانی) شما (است) همه به زمین فرو رود (جز خدا) کیست که باز آب روان و گوارا برای شما پدید آرد؟

در برخی تفاسیر آمده که این آیه درباره مهدی و حکومت مهدی علیه السلام آمده است .

و مراد از آب گوارا حکومت مهدوی است؛ از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه روایت شده است که :

-هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ (عجل الله تعالى فرجه الشريف) يَقُولُ إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا عَنْكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَحَلَالِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَحَرَامِهِ ثُمَّ قَالَ وَاللَّهِ مَا جَاءَ تَأْوِيلُ الْآيَةِ وَلَا بُدَّ أَنْ يَجِيءَ تَأْوِيلُهَا.

از امام باقر (علیه السلام) در تفسیر سخن خدای عزوجل: قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ روایت شده است که فرمود: «این آیه درباره‌ی امام غائب (نازل شده است که می فرماید: اگر امام شما، از شما غائب شود و ندانید که او کجاست، کیست که امام ظاهری برای شما بیاورد تا اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام او را برای شما بیان کند؟» سپس فرمود: به خدا تأویل این آیه نیامده است و به ناچار باید بیاید.

طبعا باید ببینیم که آب چه ویژگی هایی دارد و طبعا حکومت مهدی هم همان ویژگی ها را هم دارد.

و در واقع خود حضرت اوصافی دارد که در حکومتش متجلی می شود.

من ترجیح می دهم که اوصاف امام عصر را بشماریم و بررسی کنیم مخصوصا اوصافی که در ارتباط با حکومت حضرت است .

اوصافی که برونداد آن در حکومت مهدوی است...

رفتار قرآن با پدیده آب متفاوت از خاک یا نان و یا سایر پدیده هاست ؛ قرآن ۶۳ مرتبه از آب یاد می کند.

یکی از مواردی که از آب یاد می کند، این است: و جعلنا من الماء کل شیء حی؛

یک مصداق این آیه میتواند آب ظاهری باشد

یک مصداق آن می تواند حکومت مهدوی باشد

یک مصداق آن می تواند تلاش پیامبر عظیم الشان باشد

چون در جای دیگر می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ
وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد! و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حایل می شود، و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می شوید!

از طرفی می فرماید: ما از آب هر چیز را زنده قرار دادیم و از طرفی هم می فرماید: هر چه از رسول به سوی شما آمده اگر اجابت کنید همانا مایه حیات شماست.

پس معلوم می شود که دعوت پیامبر هم آب است؛ حکومت مهدوی هم آب گوارا است. اگر انسان ها ساعتها فکر می کردند که یک وصف گویا و جامع برای حکومت مهدوی پیدا کنند به این زیبایی و رسایی نمی توانستند که عبارتی به کار ببرند که جامع تمام مقاصد و معانی باشد.

در یک روایتی امام صادق علیه السلام می فرمایند: المهدی سَمح بالمال؛ شدید علی العَمال؛ رحیم بالمساکین؛ یستشیر المهدی باصحابه .

مهدی بخشنده است؛ سخت گیر است بر کارگزاران؛ و مهربان است نسبت به مسکینان.....

صفت چهارمی که امام صادق برای حضرت بیان می کنند این است که حضرت از اصحابش مشورت می خواهد.....

سوال می شود مگر می شود یک فرد معصوم از غیر معصوم مشورت بگیرد؟

در جواب باید گفت اولاً مشورت مختص امام مهدی علیه السلام نیست؛ ما داریم که پیامبر هم مشورت می کردند براساس و شاورهم فی الامر و یا طبق این آیه که: وامرهم شوری بینهم ...

این که آیا این مشورت یک شکل تشریفاتی بوده یا نه باید گفت که در صدر اسلام در واقع یک امر واقعی بوده مثلاً در جنگ احد پیامبر مشورت می گیرند و آن داستان ها هم اتفاق می افتد که در واقع به ضرر پیامبر منتهی می شود.

اما د رادامه آیه هست که : فاذا عزم فتوکل علی الله ...

که هر وقت تصمیم گرفتی به خدا توکل کن

عزمت مربوط به مرحله بعد مشورت است .

حالا که گزینه انتخاب شد، حالا عزم خود را جزم کن و کار را انجام ده .

این که جنگ کجا باشد چگونه باشد و کی باشد ؛ این که داخل مدینه یا خارج مدینه باشد ...

مشورت باید انجام شود و بعد توکل

سوال این است که آیا پیامبر از این مشورت ها استفاده علمی می کند؟

یا انگیزه های جانبی دارد مثل رشد دادن به اطرافیان یا نشان دادن یک الگوی مشورتی و فاصله گرفتن از استبداد که بعدیها بگویند وقتی پیامبر مشورت می کند ما مشورت نکنیم!؟

ممکن است واقعا حضرات معصومین علیهم السلام در شیوه های اجرایی در موضوعات خارجی مشورت می کردند و از مشورت هم استفاده می کردند. ممکن است بعدا نیاز به ترمیم داشته باشد.

یک نکته این که : ما در بحث نقدباید دقت کنیم که ما معمولا نقد را به معنی اشکال گرفتن و رد کردن معنا می کنیم. در زبان فارسی نقد به این معنا به کار می رود یعنی وقتی می گوییم ما فلانی را نقد می کنیم یعنی از او ایراد می گیریم و در واقع او را رد می کنیم از کار او اشکال می گیریم.

اما نقد در معنای عربی به معنی سوال و بررسی است. ما وقتی می گوییم می خواهیم او را نقد کنیم به این معناست که می خواهیم کار او بررسی کنیم.

معصوم می تواند نقد به معنای بررسی کردن و سوال کردن شود اما این که کسی اشکال کند و رد کند و قبول نکند؟

اگر جایی معصوم تصمیم بگیرد و کاری را انجام دهد این بحث مطرح است که می توان نقد عربی از او داشت که بررسی شود که چرا امام علیه السلام این کار را انجام دادند اما این که بر کار امام علیه السلام نقد فارسی به معنی انتقاد انجام شود البته که کار صحیحی نیست زیرا هر چه باشد امام علیه السلام معصوم است و کار او بری از عیب و خطاست و نیاز نیست ما با منفی نگری از امام عیب و ایرادی بگیریم ...